



دلیل واقعی خشونت های اسرائیل علیه فلسطینیان چیست؟

اختلاف مذهبی یا چپاول سرزمینی

مارک مهند عیاش *

رضای دیگر و باز هم حمله ای دیگر به نمازگزاران فلسطینی در محوطه مسجدالاقصی در قدس شرقی اشغالی؛ از آن زمان که نظامیان صهیونیست با هدف زمینه سازی برگزاری مراسم عید «پسح» یهودیان افراطی به مسجدالاقصی یورش بردند تا نمازگزاران فلسطینی را از این مکان مقدس بیرون کنند. این روزها، مسجدالاقصی صحنه ظلم و هتک حرمت صهیونیست هاست. در این مدت مطابق مقررات اعمال شده از سوی نظامیان صهیونیست، حضور فلسطینی های زیر ۵۰ سال در محوطه مسجدالاقصی ممنوع شده بود و در مجموع طی روزهای مختلف چندین هزار صهیونیست افراطی با حضور در مسجدالاقصی حرمت این مکان مقدس را زیر پا گذاشتند. نکته قابل تامل در توضیح جنایات اخیر صهیونیست ها اینکه اکثر سیاستمداران، تحلیلگران رسانه ای و مفسران اروپایی-آمریکایی در تحلیل خود بر تنش های شدید که ناشی از تلاقی ۳ رویداد مذهبی عید رمضان مسلمانان، عید پسح یهودیان و عید پاک مسیحیان است، تاکید می کنند و رفتار صهیونیست ها را در این زمینه چارچوب بندی می کنند. در نگاهی دیگر این رفتار صهیونیست ها به عنوان اقدامی در پاسخ به «عملیات انتقام جویانه فلسطینی ها» در ۴ شهر در سرزمین های اشغالی تحلیل شده است اما بررسی دقیق وضعیت فلسطین و عملکرد صهیونیست ها نشان می دهد حقیقت عمل آنها ناظر به مساله دیگری است. فلسطینی ها به شنیدن این نوع توضیحات عادت دارند که اساسا تصویری تحریف شده از یک درگیری مذهبی ارائه می دهد که ناشی از ایدئولوژی های اسلامگرای سیاسی و عدم تحمل و نفرت آنها نسبت به یهودیان است. مردم فلسطین که اساسا از حق خود برای وجود و زندگی در سرزمین هایی که طی قرن ها آن را خانه خوانده اند دفاع می کنند، توسط اسرائیل و متحدان اروپایی-آمریکایی اش به عنوان مردمی خشن، نفرت انگیز، احساسی، غیرمنطقی و عقب مانده برچسب زده می شوند که به طور مداوم چرخه های خشونت را ایجاد می کنند. اما در زیر این روینای ایدئولوژی های خیالی اسرائیلی و اروپایی-آمریکایی، سفسطه های سیاسی و

روایت های غیر تاریخی، واقعیت بی رحمانه ای به نام فتح شهر کنشینان استعماری وجود دارد. به این معنا که دلیل حملات اخیر اسرائیل به فلسطینی ها در مسجدالاقصی و غزه همان است که پیش از این هم حملات زیادی را به خاطر آن انجام داده است و حتما دلیل حملات بعدی آنها خواهد بود. این واقعیت انکارناپذیر است که اسرائیل بر اساس حاکمیت استعماری شهر کنشینان ساخته شده است. این ایده که اسرائیل به عنوان یک دولت-ملت با اکثریت یهودی باید کنترل حاکمیت خود را بر سرزمین تاریخی فلسطین تأمین و گسترش دهد، در بنیان رژیم اسرائیل، صرف نظر از اینکه کدام حزب یا ائتلاف در قدرت است، به طور مستمر در سیاست های آن نهفته است. آنها در پی این هستند که تاریخ را به نفع خود مصادره کنند و ماهیت فلسطین را تغییر دهند، زیرا حاکمیت آنها بر کل سرزمین تاریخی فلسطین به طور قطعی تضمین نشده و مقاومت فلسطین همچنان بر سر راه آن ایستاده است. این علت و هدف خشونت اسرائیل است. خشونت اسرائیل از پروژه مدرنیته استعماری سرچشمه می گیرد و آن را در فلسطین تکرار می کند. این اعمال اقدامات خشونت آمیز مربوط به امنیت، قانون و نظم یا حفظ وضعیت موجود نیست، آنها افشاگر تلاش اسرائیل برای اعمال حاکمیت عالی اسرائیل بر فلسطین و فلسطینیان هستند. پیام این اعمال خشونت آمیز این است: اسرائیل آخرین قضاوت را درباره مرگ و زندگی فلسطینی ها دارد و هیچ عواقب جدی برای اسرائیلی ها و هیچ توسل ملموسی برای فلسطینی ها پس از تصمیم گیری درباره آن قضاوت ها وجود ندارد. وقتی این غیرانسانی سازی فلسطینی ها در رسانه های جریان اصلی و گفتمان عمومی در فضاهای اسرائیلی و اروپایی-آمریکایی ظاهر می شود، به شیوه ای عادی سازی چارچوب بندی می شود. به عنوان مثال، سال گذشته در گزارشی از نیویورک تایمز، تمایل اکثریت اسرائیلی ها برای ادامه حمله به غزه اینگونه بیان می شود که اسرائیلی ها صرفا خواهان یک «نتیجه نهایی» برای «یک وضعیت بسیار ناخوشایند» و «پیروزی قاطع» علیه حماس هستند. این آرزو برای رسیدن به قدرت برتر در سراسر

سیاست و جامعه اسرائیل رایج است و مدت هاست که علنی شده است. زمانی که اسرائیلی ها خواسته های نسل کشی را علیه فلسطینیان در نوار غزه ابراز کردند، زمانی که یک اسرائیلی می گوید «اسرائیل باید غزه را یکبار برای همیشه از بین ببرد»، حتی در آن شرایط، نیویورک تایمز در روایت های خود، نقل قول های اسرائیلی را به عنوان «اسرائیلی های سرخورده» معرفی کرد که فقط خواهان صلح و آرامش هستند. شبکه سی بی سی نیز نویسندگان بیانیه نسل کشی را «اسرائیلی های ترسیدم» توصیف کرد که خواهان امنیت هستند و به طور قابل توجهی عصبانی هستند. هر ۲ روایت چیزی در راه آشکار کردن واقعیت خشونت ارائه نمی دهند، بلکه خودشان در پنهان کردن آن واقعیت مشارکت دارند. این روایت های شرق شناسانه، نژادپرستانه و خشونت آمیز، بخشی از عملیات خشونت استعماری شهر کنشینان است و به این ترتیب، نمی تواند آن را آشکار کند. این همان جایی است که ما امروز هنوز در همان مکانی هستیم که برای چندین دهه بوده ایم: رسانه های جریان اصلی و گفتمان مسلط بین المللی بر عوامل حواس پرتی و تصاویر تحریف شده از آنچه برای فلسطینی ها اتفاق می افتد تمرکز دارند، در حالی که اسرائیل همچنان به اعمال خشونت می کشد که ناشی از هدف حاکمیت بر سرزمین است. ادامه می دهد. تقریبا یک سال پیش بود که اسرائیل در پی حوادث مشابهی که امروز در حال وقوع است، حمله نظامی ویرانگر را به نوار غزه آغاز کرد. این حرکت به سوی حاکمیت عالی توضیح می دهد که چرا این همه ویرانی تنها در ۱۱ روز، اکثریت مردم اسرائیل را راضی نکرد. هنگامی که آتش بس به اجرا درآمد، نظرسنجی منتشر شده در کانال ۱۲ اسرائیل نشان داد ۷۲ درصد اسرائیلی ها معتقدند عملیات هوایی در غزه باید ادامه یابد، در حالی که ۲۴ درصد گفتند اسرائیل باید با آتش بس موافقت کند. از این رو می توان گفت تنها یک راهکار برای مقابله و شکست دادن این خشونت نهادینه و میل به استیلا صهیونیست ها بر فلسطین وجود دارد و آن مقاومت در برابر صهیونیست هاست.

* دانشیار دانشگاه مانت رویال کانادا



مردم فلسطین که اساسا از حق خود برای وجود و زندگی در سرزمین هایی که طی قرن ها آن را خانه خوانده اند دفاع می کنند، توسط اسرائیل و متحدان اروپایی-آمریکایی اش به عنوان مردمی خشن، نفرت انگیز، احساسی، غیرمنطقی و عقب مانده برچسب زده می شوند که به طور مداوم چرخه های خشونت را ایجاد می کنند. اما در زیر این روینای ایدئولوژی های خیالی اسرائیلی و اروپایی-آمریکایی، سفسطه های سیاسی و روایت های غیر تاریخی، واقعیت بی رحمانه ای به نام فتح شهر کنشینان استعماری وجود دارد

